اظهار تعجب استاد هندی از توجه رهبری به شعر

استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو ضمن اظهار تعجب از میزان علاقه رهبر انقلاب به شعر گفت: اینکه فردی در بالاترین مقام کشور به مقوله شعر به این اندازه توجه نشان دهند، برایم جذاب است. اخلاق آهن، استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو هندوستان، در گفت‌وگو با خبرنگار فرهنگی باشگاه خبرنگاران پویا، با اشاره به حضورش در دیدار امسال شاعران با رهبر معظم انقلاب گفت: این اولین بار است که در جلسه نیمه رمضان شاعران با رهبر معظم انقلاب که مجلس خاصی است، شرکت می‌کنم.

شاعری که رباعی‌اش را فراموش کرد

محمدمهدی سیار در جمع شاعران در محضر رهبر انقلاب شعری خواند. او ابتدا قصد داشت به فرموده رهبر انقلاب رباعی کوتاهی بخواند اما شعرش را فراموش کرد. سیار در ردیف دوم شاعران مقابل رهبر انقلاب نشسته بود و به شعرخوانی‌ها گوش می‌داد که رهبر انقلاب او را خطاب قرار دادند و فرمودند: آقای سیار شما شعر کوتاه ندارید؟ که سیار بلافاصله پاسخ داد رباعی تقدیم می‌کنم. این جمله سیار کمی به دراز انجامید و منجر به بیان این جمله شد که شعر را فراموش کردم! رهبر انقلاب در پاسخ به این کلام سیار فرمودند: غافل دادیم دل به دست / ما را یاد و تو را فراموش !؛ این پاسخ رهبر انقلاب، حضار حاضر در حسینیه امام خمینی(ره) را به شادمانی واداشت.

سیار در ادامه خطاب به رهبری گفت: غزلی می‌خوانم که حضرت آقا پاسخ دادند: عیب ندارد بخوان. سیار با زیرکی تمام پاسخ داد: من به واسطه خواندن رباعی میکروفون به دست گرفتم ولی یک غزل می‌خوانم. که باز هم سخنان سیار جمع را به خنده واداشت.

خاموش لب به هجو جهان باز کرده است
این زخم ناگهان که دهان باز کرده است
چشمم بساط چشم فروبستن از جهان
در این جهان چشم چران باز کرده است
در فاصله این بیت تا بیت بعد، رهبر انقلاب این شاعر را تمجید کردند و فرمودند: آفرین آفرین.
اشکم برآمد از پس گفتن، چه خوب هم...
طفلک اگرچه دیر زبان باز کرده است
این چاکِ پیرهن که از آن شرم داشتیم
خود لب به پاک بودنمان باز کرده است
من خود به چشم خویش شنیدم هزار بار
هر غنچه‌ای لبی به اذان باز کرده است

رهبر انقلاب باز هم سیار را تشویق کردند که سیار هم گفت: تصادفا این طور از آب در آمد.

رهبر انقلاب در دیدار جمعی از شاعران در شام میلاد امام حسن مجتبی(ع):

ایرانی‌ها در گزارش احوال شخصیت‌های ملی دچار کوتاهی هستند

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در بیاناتی در دیدار شاعران گفتند: مواردی همچون رقص شمشیر «جاهلیت مدرن» در کنار «جاهلیت قبیلگی» یا قرار گرفتن دولتی همچون عربستان سعودی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، جای هجو دارند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری ، در شام میلاد کریم اهل بیت حضرت امام حسن مجتبی (علیه‌السلام)، جمعی از اهالی فرهنگ، استادان شعر و ادب فارسی و شاعران جوان و پیشکسوت کشور و تعدادی از شاعران از کشورهای هندوستان، افغانستان و ترکیه با حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار کردند.

حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای در این دیدار با ابراز خرسندی از حرکت رو به رشد و پیش‌رونده شعر کشور، شعر را یک «ثروت ملی» خواندند و افزودند: از اول انقلاب، تلاش هایی برای جهت دادن به شعر در مسیر اهدافی غیر از اهداف انقلاب وجود داشت و این تلاش ها همچنان وجود دارد. رهبر انقلاب اسلامی، جریان غالب شعر در دوره پیش از انقلاب اسلامی را در خدمت مفاهیمی غیر از «آگاهی و بیداری ملی» دانستند و گفتند: در محیط ادبی آن‌روز، اغلب افرادی که مدعی نوگرایی و نواندیشی بودند، هیچ خدمتی به پیشرفت کشور و تجدد واقعی و صحیح نمی‌کردند. ایشان، پیروزی انقلاب اسلامی را آغاز دوران جدیدِ شعری، و ورود جوانان و شاعران با انگیزه به سرودن «شعر بصیرت‌افزا و در خدمت اهداف کشور» دانستند و افزودند: دایره این نوع شاعران روز به روز گسترده‌تر شد و امروز خوشبختانه، غلبه با اشعار منطبق با اهداف مذهبی و انقلابی، و رو به رشد و پیشرفت است.

حضرت آیت ا... خامنه‌ای، «توقف و تصور رسیدن به ایستگاه آخر» را همچون سمّی مهلک برای شاعران خواندند و خاطرنشان کردند: درخت شعر کشور، استعداد و ظرفیت بسیار بیشتری برای شکوفایی و بالندگی دارد و باید در «مضمون‌یابی، پیشرفت الفاظ و انتقال مفاهیم روز»، تلاش و دقت بیشتری شود.

رهبر انقلاب اسلامی با اشاره به ضعف موجود در گزارش حوادث کشور و احوال شخصیت‌های ملی، ایرانی‌ها را در این خصوص دچار تنبلی و کوتاهی دانستند و گفتند: امام بزرگوار ما شخصیتی درجه یک است که دوست و دشمن به عظمت او اعتراف دارند، اما تاکنون چند کتاب درباره این شخصیت عظیم نوشته شده است؟ ایشان، حوادث سوریه و مدافعان حرم و قضایای مهم عراق را در خور سرودن صدها و هزاران شعر دانستند و افزودند: بسیاری از مردم از اینکه آمریکایی‌ها در عراق چه هدفی داشتند و چگونه سرشان به سنگ خورد اطلاع ندارند، اما این قضیه، بسیار مهم و نیازمند تبیین است که چگونه «عراقِ صدّام» به «عراقِ شهید حکیم» تبدیل شد؟

حضرت آیت ا... خامنه‌ای، شاعران را به «منظومه‌سازی» از موضوعات و همچنین سرودن در رشته «هجو» از برخی مسائل عجیب دنیای امروز توصیه کردند و گفتند: پیامبر اکرم(ص) به یکی از شاعران از صحابه خود دستور دادند که مشرکان را هجو کند و امروز نیز مواردی همچون رقص شمشیر «جاهلیت مدرن» در کنار «جاهلیت قبیلگی» یا قرار گرفتن دولتی همچون عربستان سعودی در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، مسائلی است که به‌جدّ، جای هجو دارند.

در این دیدار، ۳۰ نفر از شاعران، اشعار خود را در حضور رهبر انقلاب اسلامی قرائت کردند.

همچنین شاعران نماز مغرب و عشا را به امامت رهبر انقلاب اسلامی اقامه و سپس همراه با ایشان افطار کردند.

هنوز شهادت دیر نشده؛ تا داعشی‌ها هستند امیدی هست

کیومرث عباسی قصری خطاب به رهبر انقلاب در دیدار شاعران گفت: غزلی با این مطلع، عرضه کرده بودید:

در نگی کرده بودم کاش در بزم جنون من هم
لبی تر کرده زان صهبای جام پرفسون من هم

سروده ناقابل زیر را تقدیم می‌دارم و امیدوارم مورد قبول طبع مقام معظم رهبری قرار گیرد:

اگرچه نیستم بیگانه با بزم جنون من هم
به جز حسرت نخوردم زان شراب پرفسون من هم
میان برزخ شکّ و یقین گر جا نمی‌ماندم
چو یاران می‌شدم واصل به یار خود کنون من هم
به راه عشق عاشق را بلایی بهتر از شک نیست
چه می‌شد کرده بودم گر ز دل شک را برون من هم
شهادت کی نصیب هر زبونِ کم دلی گردد
ز ماندن کنده بودم دل نبودم گر زبون من هم
بر آتش می‌زدم خود را خلیل‌آسا چو بط بر شط
اگر بُت‌های خود را کرده بودم سرنگون من هم
بُت شوخی چو خود خواهی خدایی می‌کند در ما
گرفتارم به دام این بُت شوخِ درون من هم
سرِ آزادگی دارم ولی چون سروِ پا در گل
نشد تا وارهم از خود بدون چند و چون من هم
ازین خُسران که جز هجران نصیبم نیست از جانان
چو فرهادست بر دوشم غمی چون بیستون من هم
شهادت قسمتِ «قصری» نشد افسوس تا با شوق
چو بسمل در سماع آیم درون طشتِ خون من هم

این شاعر در یکی از ابیات خود درباره موضوع شهادت بیتی را خواند با این مضمون: «شهادت کی نصیب هر زبونِ کم دلی گردد / ز ماندن کنده بودم دل نبودم گر زبون من هم» که رهبر انقلاب در این باره فرمودند: شهادت دیر نشده هنوز تا داعشی‌ها هستند امیدی هست.

نکته سنجی های رهبر انقلاب به شعر شاعران جلسه «نیمه رمضان»

از ابلاغ سلام مردم هند تا ذکر خیر مشهد

آقا فرمودند: هندیجانی‌ها خوب فارسی حرف می‌زنند

زهرا شعبانی از هندیجان

چه بود حاصل دنیا، اگر اراده نبود؟
اگر امید رسیدن میان جاده نبود؟!
من و تو وارث بال پرنده‌ای هستیم
که جز در اوج فلک، هرگز ایستاده نبود
تمام عمر به دستش دخیل می‌بستیم
اگرچه طبق سندها امامزاده نبود
پدر که نان شبش را به عشق ما اندوخت
ولی دریغ که هنگام استفاده، نبود
بدون او شب اندوه را چه می‌کردیم؟
چراغ خانه اگر چهره‌اش گشاده نبود
چراغ خانه زنی بود بی گمان که خدا
میان سینه او جز صفا نهاده نبود!!
به ما اگر گره سخت زندگی واشد
مگر به برکت این سفره‌های ساده نبود
زمانه سخت زمین‌زد سواره‌هایی را
که در معیّت‌شان لشکری پیاده نبود
من و تو عالمِ عشقیم و بی گمان ما را
معلمی به جز آغوش خانواده نبود

به گزارش فارس معظم‌له در خاتمه خطاب به شاعر فرمودند: هندیجانی‌ها فارسی خوب حرف می‌زنند البته لر هستند. اما در بیتی که گفتید: «چراغ خانه زنی بود بی گمان که خدا / میان سینه او جز صفا نهاده نبود!!» کلمه خدا زیادی است. فاعل نهاده را باید بردارید. بسیار خوب بود.

***

نکته‌ای که رهبر انقلاب به شاعر متذکر شدند

آرزو سبزوار قهفرخی از استان چهارمحال و بختیاری

لب گشودم دره‌ای سر روی دامن گریه کرد!
درد دل با صخره کردم کوه با من گریه کرد...
اشک مریم با غمی با نام شبنم زاده شد
لاله سرخی که از بدو شکفتن گریه کرد
عشق فرزندی که جان می‌داد و سودی هم نداشت
هر چه بر بالین سهراب تهمتن گریه کرد...
تا نوشتم دوستت... افتاد از دستم دوات
تا قلم نی از توز در زیر نوشتن گریه کرد
من همان بغضم که در یک شیشه جا خوش کرده بود
تا به او گفتم مرا در سینه بشکن... گریه کرد

در خاتمه، آقا خطاب به این بانوی شاعر فرمودند: «تا نوشتم دوستت... افتاد از دستم دوات / تا قلم نی از توز در زیر نوشتن گریه کرد» در این بیت باید قلم زیر گریه بزند وقتی مشغول نوشتن شد زیر نوشتن زدن معنا ندارد بلکه باید زیر گریه بزند.

***

شعر انصاری و کنایه رهبر انقلاب درباره بی اعصاب‌ها

عبدالحسین انصاری از شهر بندر عباس

بگذار پای غنچه به لبخند وا شود
شاید دری به سمت خداوند وا شود
بستیم سیب سرخ به نارنج های دوست
ای کاش بخت این همه پیوند وا شود
سر می‌رسد دوباره بهار از سفر اگر
از دست و بال چلچله ها بند وا شود
یک استکان چای برای جهان بریز
تا اخم بقچه های پر از قند وا شود
آغوش تو سپیدترین عاشقانه هاست
ای کاش رو به من بگذارند وا شود
بگذار عشق لانه کند کنج سینه ات
وقتش رسیده برف دماوند وا شود

پس از این بیت، رهبر انقلاب با خنده فرمودند: بی اعصاب‌ها. که این جمله رهبر انقلاب شادمانی و نشاطی در میان جمع ایجاد کرد.

***

شعری که چند بین بار تحسین رهبر انقلاب را به همراه داشت

محمد سهرابی

دعای زنده‌دلان صبح و شام یا حسن است
که موی تیره و روی سپید با حسن است
حسین می‌شنوم هر چه یا حسن گویم
دو کوه هست ولی کوه بی‌صدا حسن است
به کفر گفت که دست حسن دوایی نیست
درست گفت برادر! خود دوا حسن است
مبین ز نسل حسن هیچکس امام نشد
به حُسن بینی اگر هر امام را، حسن است
حسین نهی به قاسم دهد، حسن دستور
ز من بپرس که سلطان کربلا حسن است
بخوان به نام پسر تا پدر دهد راهت
بیا که کنیه شیر خدا «اباحسن» است

رهبر انقلاب اما در پایان شعرخوانی سهرابی، خطاب به این مصرع «مبین ز نسل حسن هیچکس امام نشد» فرمودند: از امام باقر(ع) به بعد هم اولاد امام حسن(ع) هستند. اما دو بیت انتهایی شعر تحسین مجدد رهبر انقلاب را برانگیخت؛ ایشان دو مرتبه فرمودند آفرین، آفرین.

***

فتنه لازم نیست حتماً در خیابان بوده باشد

مهدی جهاندار از استان اصفهان پیش از آغاز به شعرخوانی، بیتی را قرائت کرد که در آن کلمه «مشهد» آمده بود چرا که حضرت آقا در ابتدای مراسم وقتی علیرضا قزوه شعری را از تمام ایران خواند و نامی از مشهد نبود، به آن اشاره کردند، این شاعر هم بر این مبنا بیتی را خواند که نام مشهد در آن گنجانده شده بود: «شور شیرینی شهر رمضان است دو چشمت / مشهد اشهد ان لای اذان است دو چشمت».

جهاندار سپس غزلی با محوریت فتنه خواند:

فتنه شاید روزگاری اهل ایمان بوده باشد
آه این ابلیس شاید روزی انسان بوده باشد
فتنه شاید در لباس میش، گرگی تیز دندان
در لباسی تازه شاید فتنه چوپان بوده باشد
فتنه شاید کنج پستوی کسی لای کتابی؛
فتنه لازم نیست حتماً در خیابان بوده باشد
فتنه شاید در صف صفین می جنگیده روزی
فتنه شاید در زمان شاه، زندان بوده باشد!
فتنه شاید با امام از کودکی همسایه بوده
یا که در طیّاره پاریس_تهران بوده باشد
فتنه شاید تابی از زلف پریشان نگاری
فتنه شاید خوابی از آن چشم فتّان بوده باشد
فتنه شاید اینکه دارد شعر می‌خواند برایت؛
وا مصیبت! فتنه شاید از رفیقان بوده باشد
دُرّه‌ای بر دامن اسلام ننشیند غباری
نامسلمانی اگر همنام سلمان بوده باشد
دوره فتنه است آری، می‌شناسد فتنه ها را
آنکه در این کربلا عبّاس دوران بوده باشد
فتنه خشک و تر نمی‌داند خدایا وقت رفتن
کاشکی دستم به دامان شهیدان بوده باشد

در پایان این شعرخوانی شاعر اصفهانی، آقا فرمودند: آفرین. مخصوصا وقتی شاعر این بیت را خواند: «فتنه شاید کنج پستوی کسی لای کتابی / فتنه لازم نیست حتماً در خیابان بوده باشد» مقام معظم رهبری و تمام حاضران او را تحسین کردند. اما وقتی شاعر این مصرع را می‌خواند: «فتنه شاید اینکه دارد شعر می‌خواند برایت / وا مصیبت! فتنه شاید از رفیقان بوده باشد» آقا سخن شاعر را قطع کردند و فرمودند: خدا نکند. معظم‌له در پایان سه مرتبه فرمودند: بسیار بسیار خوب، خیلی خوب بود.

***

رهبر انقلاب خطاب به شاعر نیمایی‌سرا: شما که تخیل خوبی دارید غزل بگویید

آرش پورعلیزاده از گیلان

روزهای کاغذی عبور می‌کند / هفته‌های بی‌دلیل
هفته‌های دائما شبیهِ هم / به پیش می‌رود / یک نفر
غریبه / عصرها در ایستگاه غمزده / خیال می‌کند به
کیش می‌رود / من خیال می‌کنم / هوای آفتابی تو را /
من خیال می‌کنم / آبیِ تو را / دیده‌بوسی فرودگاه و مرد /
اولین نوازش نسیم / دیده‌بوسی دوچرخه‌های دوره‌گرد /
قرن‌هاست / جاده‌ها به نخل‌های خسته می‌رسد /
قرن‌هاست / در تشنّجِ مورّخان / جاده‌ها مرا به شهرِ
باستانی «حریره» می‌بَرَد / یک کُنار سالخورده در کِنار من
نشسته‌است / در دو سوی «جاده جهان» / «لور»های
قدبلند / مثل راهبان معبد مقدس ایستاده‌اند / قرن‌ها
قنارِیانِ تشنه را / این قنات بی‌قرار / از دوچشمِ خویش
آب می‌دهد / کشتی به گِل نشسته / مثل یک پدر بزرگ
مهربان / شادمانی مرا نظاره می‌کند / لاک پشت پیر
آن طرف به ماهیان زینتی / اشاره می‌کند / کیش را به
دست‌های کوچک تو / می‌توان شبیه کرد / کاش
ترس‌های کهنه سِمج رهایمان کنند / کاشکی جهان کمی
شبیه کیش بود. امن و آفتابی و صبور. از کدام جاده / از
کدام مرز بگذریم؟ / کی به خانه می‌رسیم؟ / در فرودگاهِ
آن طرف / پاسپورتِ چندتا پرنده را گرفته‌اند؟ / پشتِ
آب‌های این طرف / چندتا پری به اشتباه مرده‌اند؟ / از
خلیجِ خسته عَدَن / چند نامه آمده؟ / آی آهوان! / آهوان
امنِ «جاده جهان»! / چندتا شهید تازه از منامه آمده؟ / چند
انفجار در دمشق؟ / آی آفتابی ادامه‌دار! / از تو پس چرا
نمی‌شود نوشت؟ / کاشکی جهانِ خسته از صدای انفجار
روی ساحل سپید صلح / آفتاب می‌گرفت / حیف حیف
این فقط خیالِ عصر گاهی من است / من به تو / جز میان
نقشه‌ها / جز میان تورهای کاغذی / در ستون روزنامه‌ها
سفر نمی‌کنم

آقا در پایان شعرخوانی این شاعر اهل خطه شمال فرمودند: طیبا...، خیلی خوب بود، البته باید بگویم قسمت آخرش نیمایی بود، اما بخش اولش نیمایی نبود بلکه شعر آزاد بود. معظم‌له در ادامه خطاب به این شاعر متذکر شدند: این بخش نه وزن داشت و نه قافیه در حالی که شعر نیمایی هم وزن دارد و هم قافیه این اواخر شعر شما همین طور بود. قافیه اما کم و بیش داشت. البته مضامین آخر را فهمیدم اما اولی‌ها را متوجه نشدم، ان شاءا... موفق باشید. شما که تخیل خوبی دارید، غزل بگویید.

***

ابلاغ سلام مردم هند به رهبر انقلاب

«اخلاق آهن» اهل هندوستان. این استاد دانشگاه جواهر لعل نهرو ابتدا سلام گرم اهالی کشور هند و فارسی زبانان این منطقه را خدمت رهبر انقلاب رساند و گفت: بنده از طرف اهل هند که دوستداران زبان و فرهنگ فارسی هستند، خدمت ملت ایران و شما سلامشان را می‌رسانم و غزلی می‌خوانم.

ای نازنین نگار که چون دلبری کند
ما را به تشنگی سوی خود رهبری کند
موسای روزگاری و عیسای هر زمان
پیش تو کیست دعوی پیغمبری کند؟
تو از تمام آیینه‌ها دل رُباتری
کو آن که با تو داعیه همسری کند؟
خورشید، ادّعای تکلّم نمی‌کند
جایی که چشم‌های تو روشن‌گری کند
مرغ دلم به یاد تو تا عرش می‌پرد
وقتی که یاد شعر و زبان دری کند
آن کس که تا جناب خدا پر کشیده است
ای کاش یاد این دل نیلوفری کند

در پایان شعرخوانی این شاعر فارسی زبان، رهبر انقلاب فرمودند: خیلی خوب، خیلی خوب، به اساتید فارسی گوی و فارسی دان هند سلام ما را ابلاغ کنید و بفرمایید ما با پارسی گویان هند احساس برادری می‌کنیم، این موضوع برای امروز و دیروز نیست، قرن‌هاست که این احساس وجود دارد.

****

شعر موسوی گرمارودی برای امام هادی(ع) و تذکر رهبر انقلاب

علی موسوی گرمارودی

سرز سامرّا برآور ای امام پاک من
ای تو را علم علی در سینه، چون جان در بدن
ای تو همنام امام راستان یعنی علی
ای به او همگونه اندر کنیه یعنی بوالحسن
ای نقی و هادی ای ما را به آیین رهگشا
در ظلام این شب دیجور و دهر پر فتن
سرز سامرا برآور تا ببینی روز ما
در دل این روزگار روسیه تر از لجن
شیعیان را بی محابا می کشند از بحر و بر
زاده وهابیان اندر عراق و اندریمن
نوکر بی مزد آمریکا زند لاف از فریب
کان چه او می فهمد از اسلام، آن باشد حَسَن
گلشن دین، عرصه زاغان بی مقدار شد
آری، ار بلبل رود از باغ، باز آید زغن
سرز سامرا برآور بر خر خودّشان نشان
این سگان ناصبی را کافران بی وطن
یا بگو فرزند تو مهدی کند پا در رکاب
زین خران سگ صفت را سر درآرد در رسن
سرز سامرا برآور با نهیبی هاشمی
پاک کن از کارگاه دین گروه کارتن (عنکبوت)

در این دیدار و پس از اتمام شعرخوانی موسوی گرمارودی، رهبر انقلاب با اشاره به بیت «شیعیان را بی محابا می کشند از بحر و بر، زاده وهابیان اندر عراق و اندریمن» فرمودند: البته شیعیان هم بیکار نیستند، یکجانبه قضاوت نکنید. اما طیبا... خیلی خوب بود، قصیده محکم و خوبی بود.

***

باز هم اسم مشهد را نیاوردید

محمود اکرامی فر شعری درباره خراسان خواند.

خدا از ما نگیرد روزی شب زنده داری را
نصیب ما کند یک بار دیگر بیقراری را
نشستم بر سر راه دلم یک عمر تا دیدم
غروب جاده ها را لذت چشم انتظاری را
خراسان است اینجا گاه می بینی که تک بیتی
به آتش می کشد بازار آواز قناری را
دوبیتی های تربت می زند آتش به جان و دل
سه خشتی های قوچان می برد از سر خماری را
به شیخ آذری بردم توسل تا بپوشاند
به بلقیس غزل هایم ردای گل اناری را
شبانان خراسان نقل های دیگری دارند
دوبیتی خوانده می فهمد شب تلخ صحاری را
شنیدم بازبانی زبده می گویند شب تا صبح
خیابان های بیهق قصه های سربداری را
ملایک نیز در تنهایی آفاق مشتاق اند
دوتار حاج قربان و سرود سبزواری را

آقا در پایان شعرخوانی اکرامی فر درباره بیت آخر سوال کردند و فرمودند: «دوتار حاج قربان و سرود سبزواری را»؟ که اکرامی فر پاسخ داد: اکثر شبانان خراسان کرمانجی می‌خوانند. حاج قربان سلیمانی از دوتار نوازان خراسان شمالی و حمید سبزواری از شاعران کشورمان هستند. آقا فرمودند: بله درست است، اما باز هم اسم مشهد را نیاوردید.

***

شعری که از منظر «امین شعر انقلاب»، نو، شیرین و پرمغز بود

«محمد جواد الهی پور». الهی پور تصریح کرد: یک داستان کوتاه برای بیداری به زبان شعر می‌خوانم.

بحث استادمان بصیرت بود / در کلاسی صمیمی و آرام
بغض هایش همیشه حسن شروع / اشک هایش همیشه حسن ختام / هفته پیش آمد اما دیر / سینه ای صاف کرد و گفت: / سلام / بحث امروز زود باوری است / که زده ضربه بر تن اسلام / حیدری ایستاد اجازه گرفت / گفت:
لطفا مثال هم بزنید / - مثلا ما جرای جنگ احد... / فکر کردند جنگ گشته تمام / دشمن از سوی دیگر آمد و... خب خودتان قصه را که می دانید / عده ای جا زدند و برگشتند
مرتضی ماند و زخم های مدام / جنگ صفین / یک مثال عیان / مکر برنیزه کردن قرآن / یک قدم مانده بود تا پایان / که به مالک رسید این پیغام: / بر سان خویش را علی تنهاست
دست فتنه به کار افتاده / باز لشکر سوار جهل شده
شورش افتاده در پیاده نظام / حکمیت مثال بعدی ماست
قصه غفلت ابوموسی / نقل انگشترش که معروف است
مرد منفور در خواص و عوام / آه سردی کشید و گفت:
هنوز / عده ای در صف نبرد دمشق / مست جان بازی اند
و یک عده / مست مال و منال و نام و مقام / خواست از جام زهر دم بزند / سرفه شیمیایی اش گل کرد / مصرع بعد سرفه بود فقط / مصرع بعد سرفه بود پیام / شهریاری بلند شد / پرسید: / جای این زود باوری / آیا می شود گفت جهل و خوش بینی؟ / یا خیانت به خط فکر امام؟ / خنده ای تلخ بر لب استاد / مهر تایید زد به پرسش او / گفت: / امروز هم... که زوزه زنگ / در سمان را گذاشت بی فرجام

بر اساس این گزارش، رهبر انقلاب پس از اتمام شعرخوانی الهی پور فرمودند: خیلی خوب، بسیار خوب، نو، شیرین و پرمغز، خوش لفظ و معنا بود. اما ایشان به کلمه «صفین» برای درست بودن وزن اشاره کردند.

***

شعری که شاعر برای فرزند آینده‌اش سرود

هدیه طباطبایی از کاشمر

به شب هایی که مادر ها نمی خوابند، فرزندم!
به لالایی، به این دلشوره ها سوگند، فرزندم!
من و بابا تو را مثل نفس هر لحظه می خواهیم
برای هر دومان شیرین تری از قند، فرزندم!
الهی سایه لطفش همیشه بر سرت باشد
خداوندی که بخشیده به ما فرزند، فرزندم!
برایت آرزو دارم که قلب مهربانت را
به عشق آل پیغمبر (ص) زنی پیوند، فرزندم!
که اینان خوب تر از خوب تر از خوب تر از خوب
که اینان در زمین هستند بی مانند، فرزندم!
و بی شک می رسد یک روز موعودی که در راه است
چنان عیدی که می آید پس از اسفند، فرزندم!
مهیّا کن زمین را تا "فرج" نزدیک تر باشد
به قدر وسع خود، با "ندبه" ای هر چند، فرزندم!
دعا کن پاره قلبم! دعای تو اثر دارد
دلت پاک است، نور چشم من! دلبند! فرزندم!
بیاید کاش روزی که تمام مردم دنیا
بروید روی لب هاشان گل لبخند، فرزندم!

در خاتمه حضرت آقا خطاب به شاعر این شعر فرمودند: «بسیار خوب، این را برای فرزند اولتان سروده‌اید؟» که شاعر در پاسخ گفت: فرزند آینده‌ان شاءا....

***

شعری طنز درباره «تولید داخلی»

محمد حسین مهدویان از شاعران خوش ذوق کشور شعر طنزی با محوریت «تولید داخلی» در محضر رهبر انقلاب خواند.

این شعر که فضای جدیدی در این جمع به وجود آورد، در میان ابیات گاه خنده حاضران و رهبری را به همراه داشت.

تولید داخلی

این طرف استکان یونانی / آن طرف قاشق لهستانی / گاز و یخچال بهترینش چیست؟ / آلمانی و انگلستانی / برده از رو تمام قزوین را / سنگ پاهای ازبکستانی / معنوی کرده حالتِ ما را / مهر و تسبیح ارمنستانی / در خود چین هم احتمالا نیست / جنس چینی به این فراوانی / هر چه دستت رسید وارد کن / شده از کشور موریتانی / فکر چیزی نباش غیر از سود / سود دارد کلاه سودانی / در همین حال و روز وانفسا می نویسم چنان که میدانی / می‌رود رو به سمت ویرانی روزگار جوان ایرانی / هر که تولید می شود هنرش آن چنان می زنند توی سرش / که بریزد تمام کرک و پرش و در آید ز شش جهت پدرش / چوب قاچاق از قضا و قفا می خورد چون چماق بر کمرش / بعد هم هر چه دست و پا بزند / در نیاید حقوق کارگرش / می زند توی کار دلالی تا که محسوس تر شود اثرش / بعد سی سال، شخص صنعتگر / دُم ندارد هنوز کره خرش / جنس تولید داخلی اوخ است / هموطن جان نگرد دور و برش / دولت وقت هم که فی الجمله / ریشه اش را زده است با تبرش / می‌رود رو به سمت ویرانی / روزگار جوان ایرانی / این جوان زور قابلی بزند / یا به دریا اگر دلی بزند / یا برای گرفتنِ یک وام رو به هر کور و کاملی بزند / می‌تواند نهایتا در شهر یک دکان فلافلی بزند / یا اگر بیشتر هنر بکند یک فلان شاپ فسقلی بزند / یا که دائم پی مسافرها برود دور باطلی بزند / البته راه بهترش این است که به موهای خودژل بزند / و سپس بین دو دیک قلیان دل خود را به غافلی بزند / وای اگر جنس خارجی روی دست تولید داخلی بزند / می‌رود رو به سمت ویرانی / روزگار جوان ایرانی

رهبر انقلاب پس از اتمام شعر خطاب به شاعر فرمودند: آن بیت فوق برای مسافران قم است البته. این جمله رهبر انقلاب حاضران را خشنود کرد. آیت ا... خامنه‌ای فرمودند: آفرین، خیلی خوب بود.

***

شاعری که صله گرفت

یکی از شاعرانی که رهبر انقلاب هر سال تاکید می کنند که شعر بخواند، قادر طهماسبی (فرید) است. آقا فرمودند: علیکم سلام آقای فرید. طهماسبی در محضر رهبر انقلاب گفت: آقا به شوق زیارت شما آمدم اما اتفاقات اخیر ما را متاثر کرد اگر دوستان شعری به آن معنا نگفته‌اند و فرصت نداشتند ولی من تا امروز در گیر بودم و امروز صبح که می آمدم چند بیتی زمزمه کردم.

آقا در ادامه گفتند: بخوانید آقای فرید تا ببینیم...

قادر طهماسبی در ادامه این گونه خواند:

سر بشکند فتنه گر بی وجود را
رسوا کنید فتنه آل سعود را
با چند بی وجود مگر می توان شکست
آرامش طلایی و شهر شهود را
از داعش خبیث گرفتیم «عین» و «شین»
زین قافله واکنید تار و پود را
تهران داغدار در این غم صبور باش
ایران من بخند و بگریان حسود را
آهسته خرام در این دشت ای صبا
ما بذر لاله کاشته‌ایم این حدود را

رهبر انقلاب با شنیدن این ابیات خطاب به علیرضا قزوه و جمع حاضر فرمودند: شاعر هستند واقعا آقای فرید. قزوه در ادامه سخنان رهبری گفت: آقای فرید این تمجید رهبر انقلاب صله شعر شماست. رهبر انقلاب فرمودند: اگر در بیت «آرامش طلایی و شهر شهود را» اگر طلایی بشود «خدایی» بهتر است.

معظم‌له در پایان تصریح کردند: آفرین، خدا شما را حفظ کند آقای قادر طهماسبی، آقای فرید موید باشید. ان شاءا... چشمتان بهتر شود.